

آتش دائم

منتخبی از گفتارهای

ربای لوباویچ

ربی مناخم مندل شینرسون

ترجمه کتاب Torah studies

از ربی جانانان ساکس. ام. ا. (کتاب) دکترای فلسفه

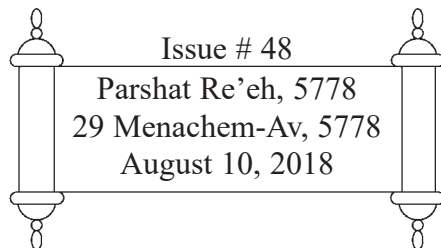
ترجمه فارسی بوسیله

پرویز مزدهی

Translated into Farsi by:
Mr. Parviz Mojdehi

*

Reprinted with permission by:
Chabad Persian Youth
&
Moshiach Awareness Center



Friday, August 10, Light Shabbat Candles, by 7:27 p.m.
Saturday, August 11, Shabbat ends at 8:29 p.m.
(Times are for Los Angeles)

قدرت یگانگی اش نشان داده میشود.

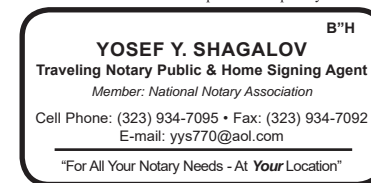
در تمامی خطاهایی که یک فرد یهودی ممکن است مرتکب شود او دو نوع صدمه و زیان ایجاد کرده است که می بایست مورد درمان و جبران قرار بگیرد. اول صدمه و لطمه ای که او به روح و روان دنیای کوچک وجود خودش وارد آورده و دوم صدمه ای که او به دنیای بزرگ خارج از وجود خود ایجاد کرده است. تشووا، صدمه اولی را درمان و جبران می کند و مجازات، صدمه دوم را اینها دو چیز جدا هستند و یکی نمی تواند دیگری را عوض کند.

اما تمامی ذات و طبیعت مردمان شهر بت پرست در این همه گیر و همگانی بودن آنچنان شرکت کرده است که حتی ساکنین بی گناه و حتی اموال فیزیکی آنها را نیز در بر می گیرد. این حالت نوعی وحدت روحانی است و این خطا نوعی خطای روحانی است و درمان آن نیز می بایست یک درمان روحانی یعنی تشووا باشد و مجازات آنها، درمانی است برای لطمه ای که به دنیا وارد آورده اند. اما محیط و فضای یک شهر بت پرست، همسایگان آن، گله و گوسفندان آن، اموال آن، همگی در این وحدت روحانی مردمان آن شهر حل شده اند. همه آنها در همه چیز حتی در انجام خطا و گناه تحت سلطه این وحدت روحانی قرار گرفته اند. به همین علت است که در اینجا و فقط در اینجا در شهری که دیگر متشکل از گروهی از افراد نمی باشد بلکه یک جمعیت واحد را تشکیل میدهد. تشووا، برگشت بسوی خداوند، با در نظر گرفتن حقوق قانونی انسانها دخالت کرده و حتی درمان نیز می کند.

(Source: Likkutei Sichot,
Vol. 9, pp. 106-114)

(منبع: لیکوتی سیخوت جلد نهم ص ۱۰۶ الی ۱۱۴)

This week's issue is sponsored in part by:



Reprinted with permission by:

CPY & Moshiach Awareness Center,
Chabad Persian Youth
9022 W Pico Boulevard.
Los Angeles, CA 90035
Tel.: (310) 777-0358
Fax: (310) 777-0357
http://www.cpycenter.org
e-mail: cpycenter@sbcglobal.net
Rabbi Hertzal Peer, Executive Director

a Project of:
Enlightenment For The Blind, Inc.
602 North Orange Drive.
Los Angeles, CA 90036
Tel.: (323) 934-7095 * Fax: (323) 934-7092
http://www.torah4blind.org
e-mail: yys@torah4blind.org
Rabbi Yosef Y. Shagalov, Executive Director

Printed in the U.S.A.

TO DEDICATE AN ISSUE IN HONOR OF
A LOVED ONE, CALL (323) 934-7095

For this and other books on Moshiach & Geulah, go to: <http://www.torah4blind.org>

۵- وحدت روح یهودی

با اینحال هنوز مشکل حل نشده است بلکه نقطه تاکید آن را جابجا کرده ایم قضاات دادگاهها تنها برحسب آنچه را که میدانند و درک می کنند، قضاوت می کنند، و نه برحسب احساسات قلبی افراد محکوم. اگر چنانچه تشووا حقایق یک موضوع را تغییر میدهد پس بنابراین چگونه قضاات میتوانند درک کنند که حقایق چه هستند؟ چگونه آنها می توانند یک تشووا ی واقعی را از یک تشووا غیر واقعی تشخیص بدهند؟

این اصل که قضاات دادگاهها قادر به بخشیدن انسانها بخاطر تشووا یی که کرده اند نمی باشند احتیاج به تفکر عمیق تری دارد.

علت اصلی این است که آنچه که برای قضاوت به دادگاهها ارائه میشود صورت اعمالی ایست که اشتباه بودن آنها مستقل و جدا از احساسات قلبی می باشد. بنابراین توبه و تشووا نمی تواند آنها را جبران کند. اما گناهی که مردم شهر بت پرست انجام داده اند متفاوت است و آن اساساً به احساسات درونی آن مردم مربوط می شود بنابراین چیز نیست که تشووا یعنی تغییر احساس شخص بت پرست می تواند بر آن تاثیر داشته باشد.

توضیح مطلب اینگونه است که:

از آنجا که خداوند سرچشمه روحانیت وجود هر فرد یهودیست خداوندی که نهایت وحدت است. آنها این توانایی را دارند که به نوع خاصی از وحدت، نوعی یگانگی اساسی دست یابند. و حتی اگر چه این وحدت یک وحدت روحانی است ولی باعث ایجاد یک وحدت فیزیکی نیز میشود. "کدام ملت مانند ملت توست. ای بیسرائل، ملت یگانه بر روی زمین؟" این نوع وحدت است که تاثیر خود را بر روی قانون مربوط به شهری که مردمش بت پرست شده اند می گذارد جایی که یگانه بودن مردم آنچنان کلی و همه گیر است که حتی بر روی اموال شهر هم تاثیر می گذارد. این حالت بسیار عجیب بنظر می آید چرا که بت پرستی کاملاً برخلاف خواسته و یگانگی خداوند است. روح را در تاریکی فرو برده و آنرا پاره پاره می کند پس چگونه بت پرستی می تواند یک چنین وحدتی را منعکس کند؟

دقیقاً بخاطر اینکه روح فرد یهودی قسمتی از خداوند است آزادی انتخاب آن دارای حدی نمی باشد به همین علت یک فرد یهودی می تواند آنچنان از طبیعت خود دور بشود که بت پرستی کند و ایمان خود را انکار نماید. ^{۱۵} حتی در این بزرگترین خطاها این نقطه بارز روح او و

۱۵- لیکوتی تورا امور ۳۸ ب تیا قسمت اول پایان فصل ۱۸ ربام هیلخوت تشووا آغاز فصل ۵

رئه

مبحث زیر به این علت در اینجا عنوان شده است که دارای حقایق مهمی در مورد مکتب حاسیدوت می باشد. حاسیدوت تنها یکی از شعبه های تفکر یهودی نبوده و صرفاً چیزی جدا از جنبه های آشکار تورا و یا هلاخا و یا تکمیل کننده آنها نیست بلکه آن در درون قلب همه شاخه های تورا جای دارد و آنها را از نور خود برخوردار می کند. به عنوان مثال با عنوان یک مسئله کوچک در یک هلاخا با استفاده از حاسیدوت ما می توانیم عمیق تر به درون این هلاخا وارد شویم تا آنجا که بناگاه، بدون انتظار و به ناچار به حقایق اساسی در زمینه روح انسانی دست می یابیم. یکی از مباحث پاراشای این هفته در مورد شهرتست که مردم آن بت پرست شده اند. مسئله این است که چگونه در این مورد خاص مردم بیگناه شهر نیز در مجازات این شهر شریک می باشند. مسئله دیگر آن است که هارامیام می گوید که اگر شهر از گناه خود برگردد و توبه کند این گناه جمعی بخشوده خواهد شد. و با این حال قانون و اصلی در یهودیت وجود دارد که تشووا انسان را از قضاوت هایی که در دادگاه انسانی انجام می شود نجات نمی دهد و تنها او را از مجازات های الهی رها می کند. به این ترتیب بنظر می آید که عقیده هارامیام نوعی استثناء در این اصل است. چگونه هارامیام چنین عقیده ای را عنوان کرده است؟ در تلاش برای یافتن جواب در نهایت ما با حقایقی درونی در مورد روح، وحدت آن، و قدرت روحانی فرد یهودی آشنا می شویم.

۱- شهرت پرست

پاراشای رئه در مورد قوانین شهری در سرزمین بیسرائیل صحبت می کند که مردم این شهر بت پرست شده اند:

"هرگاه درباره یکی از شهرهایت که خداوند بتو میدهد که در آن سکونت کنی اینچنین اطلاع حاصل کنی که: مردمی فاسد از میان قوم تو بیرون آمده و ساکنین شهر خود را منحرف کرده و گفته اند: "برویم دیگر معبودانی را که نمی شناسید، بپرستیم"، خوب جويا شو و رسیدگی کن و بپرس که آیا این موضوع راست و درست است و این عمل زشت در میان قوم تو رخ داده است. حتماً ساکنین آن شهر را بضرب شمشیر بکش. آنرا و آنچه در آن است و چهارپاهایش را به ضرب شمشیر نابود کن تمام غنیمتش را در میان میدان آن شهر گرد آور، آن شهر و تمام غنیمتش

را کاملا بخاطر خداوند به آتش بکش. تا ابد خرابه بماند و دیگر آباد نگردد.^۱ این پاراشا همیشه در شبانی که ما ماه اول را اعلام می کنیم و یاد خود ماه جدید خوانده می شود. "اول ماه رحمت الهی و بخشایش همراه با تشووا"^۲ برگشت بسوی خداوند و دور شدن از گناه همراه است به همین علت ما در پاراشای رثه قدرت بی نظیر و بزرگ تشووا را در می یابیم. به عنوان یک اصل کلی، عمل تشووا و برگشت بسوی خدا تنها بر روی رابطه انسان با خداوند و در نتیجه بر روی قضاوت الهی تاثیر می گذارد و نه بر روی قضاوت های انسانی و رابطه انسان با انسان دیگر. این اصل کلی در تلمود^۳ اینگونه عنوان شده است "آن اشخاصی که سزاوار مرگ الهی هستند. اگر تشووا بکنند دادگاه الهی آنها را می بخشد اما آن اشخاصی که سزاوار مرگ بوسیله انسان یعنی دادگاه انسانی می باشند حتی اگر تشووا هم بکنند. این دادگاه نمی تواند آنها را ببخشد". این مطلب همچنین در مورد مجازات های سبک تر نیز صادق است. تشووا بر روی محاکمات دادگاههای انسانی تاثیری ندارد، علت آن است که تشووا احساسات قلبی^۴ و درونی و روحی انسان را تغییر می دهد. و این تغییر بخاطر درونی و روحانی بودنش بوسیله دادگاه های انسانی قابل تشخیص^۵ نمی باشد. چرا که قضات این دادگاه ها با مطالب قابل رویت و حقایق قابل لمس سروکار دارند. با اینحال بر حسب عقیده هارامبام^۶ آن مجازاتی که شهرت پرست سزاوار آن است یعنی کشتن مردم آن و سوزاندن اموال آنان، چنانچه مردم آن شهر تشووا بکنند و از گناه جمعییشان برگردند نمی بایست عملی بشود و تغییر خواهد کرد. و این مورد خاصی از تشوواست که در قضاوت دادگاه انسانی تاثیر می گذارد و آنرا تغییر میدهد.

این عقیده هارامبام بوسیله یکی از مفسرین در کتابش بنام "کسف میشنه" بدینگونه توضیح داده شده است. "قبل از آنکه مجازات مرگ برای شخصی صادر شود به آن شخص اخطار داده میشود که او در حال انجام یک گناه کبیره است. اما در مورد شهرت پرست این اخطار بصورت جمعی داده میشود و تمامی مردم را بصورت کلی در بر می گیرد و بنابراین لزومی برای اخطار فردی وجود ندارد و تشوواي مردم این شهر مجازات آنها را تغییر میدهد".

ولی در این توضیح بنظر می رسد که نکته اصلی فراموش شده است. علت آنکه تشووا بر روی قضاوت دادگاههای انسانی نمی تواند تاثیر داشته باشد. اصولا به اخطار فردی و یا جمعی مربوط نمی شود. بلکه به این حقیقت مربوط میشود که انسان نمی تواند قلب و احساس انسان دیگر را

به این ترتیب ما به این نتیجه می رسیم که این حالت - که اکثریت مردم شهرت پرست می شوند - یک مورد کاملا تازه ای را بوجود می آورد. موردی که شامل گروه و جمعیتی گناهکار است که مرتکب یک گناه جمعی شده اند. این مورد و این جمعیت دیگر شامل گروهی که از تک تک افراد درست شده باشد نمی باشد. بلکه برای خود یک واحد مستقل به حساب می آید بنابراین اینگونه نیست که محکومیت فردی آنها در این حالت کاهش پیدا کند بلکه دیگر این مجازات برای آنها بکار برده نمیشود بخاطر آنکه مورد تازه ای بوجود آمده است موردی که همگی مردم شهرت پرست به عنوان یک واحد مستقل مورد قضاوت قرار می گیرند.

به همین علت است که مجازات مردم یک شهرت پرست بسیار همه گیر است که حتی اعضاء بی گناه خانواده شخص بت پرست و اموال اقلیت بی گناه را نیز شامل میشود. (مگر آنکه به شهر دیگری فرار کنند) اگر چه بصورت فردی آنها ممکن است بی گناه باشند مع هذا آنها قسمتی از جمعیت و مردمی هستند که به عنوان یک واحد مورد قضاوت قرار گرفته اند.

و همین موضوع است که باعث می شود که "رمبام" برای مثال از مورد شهرت پرست سدوم استفاده کند. اگر چه واقعه سدوم قبل از اهداء تورا اتفاق افتاده است بخاطر آنکه آنچه که "رمبام" مایل است به آن برسد نه یک نتیجه قانونی - هلاخا- است بلکه رسیدن به این مفهوم است که مابین تعدادی از افراد و جمعیتی از مردم تفاوت وجود دارد. حتی اگر چه این تفاوت لزوماً به نتایجی قانونی منجر می شود ولی خود یک قانون "هلاخا" نمی باشد بنابراین می توان آنرا از وقایعی که قبل از اهداء تورا اتفاق افتاده است آموخت.^{۱۴}

بالاخره ما می توانیم ببینیم که چگونه تشووا بر حسب تفسیر روگوتچوور راو این قدرت را دارد که مسئولیت جمعی را ملغی کند و فقط گناهان فردی را که قابل مجازات هستند را باقی بگذارد. تشووا در واقع این قدرت را ندارد که روی قضاوت یک دادگاه انسانی تاثیر بگذارد. اما ما در این جا با یک موضوع قانونی که دادگاه انسانی در مورد آن قضاوت کند روبرو نیستیم بلکه با یک حقیقت تازه مواجه هستیم و آن اینکه آیا این مردم بت پرست را به عنوان یک واحد مستقل قضاوت کنیم و یا به عنوان گروهی از افراد جداگانه؟ و این موضوع در اینکه کدام قانون را باید برای آنها اجرا کنیم تغییر ایجاد می کند و نه اینکه چگونه قانون را برای آنها اجرا کنیم. و این مطلب می تواند بوسیله تشووا تحت تاثیر قرار بگیرد. تشووا بیشتر از آنکه مجازات را تغییر دهد. حقایق موضوع را عوض می کند.

۱- دواریم ۱۳ ۱۷-۱۳ ۲- طور، اورخ خیمیم فصل ۵۸۱ ۳- مکوت ۱۳ ب

۴- تینیا قسمت اول فصل ۲۹ ۵- نادا بیهودا - اورخ خیمیم ماهادورا کما فصل ۲۵ ۶- هیلخوت اوودازارا ۴۰۹

۱۴- انسیکلوپدیا تلمودیت در مورد "عین لیمودین می کودم متن تورا"

بررسی می کند که آیا آنها تشبوه کرده اند یا نه و به زبان ترگوم^{۱۱} "اگر تشبوه کرده اند آنها را مجازات نخواهم کرد".

این موردیست از شهری که به مردم آن این فرصت داده شد که بوسیله تشبوه از مجازات رهایی یابند. اما این مطلب نمی تواند به عنوان مثالی برای قانون رمبام قرار بگیرد چرا که اولاً این واقعه قبل از اهداء تورا اتفاق افتاده است و برحسب یک قانون کلی منبع^{۱۰} و اساس هلاخا نمی تواند برحسب وقایعی که قبل از اهداء تورا رخ داده است قرار بگیرد و^{۱۱} ثانیاً مردم سدوم بوسیله دادگاه الهی مجازات شدند و نه بوسیله دادگاه انسانی.

۴- گروه و جمعیت

مشکل اساسی دیگری در درک وضعیت مردم شهری که کاملاً بت پرست هستند وجود دارد. در قانون یهود بیش از یک نوع مجازات مرگ وجود دارد. و قانونی وجود دارد که می گوید اگر کسی به خاطر انجام دو نوع قتل متفاوت به دو طریق متفاوت به مجازات مرگ محکوم بشود. او را به نوع مرگی که شدیدتر و دردآورتر است محکوم می کنند^{۱۲}.

اما در مورد شهری که مردم آن بت پرست شده اند همه محکوم به مجازات مرگی نسبتاً بدون درد هستند، کشته شدن با شمشیر، در حالی که به عنوان افراد بت پرست بصورت فردی، محکوم به مرگی دردآورتر یعنی سنگ سار شدن می باشند اما با اینحال مجازات ساده تر بروی آنها انجام میشود.^{۱۳}

این مشکل عمیق تر میشود به این ترتیب که تا قبل از زمانی که اکثریت مردم شهر، بت پرست بشوند- بت پرستان در اقلیت هستند- مجازات گناه جمعی در مورد آنها انجام نمیشود و هر فرد بت پرست برحسب گناه شخصی خودش مجازات می شود و بنابراین مجازات سخت تر (سنگسار شدن) خواهد بود. اما زمانی که آن آخرین فردی که اقلیت را به اکثریت گناهکار تبدیل می کند این گناه را مرتکب شد سرنوشت تمامی شهر به سرنوشت شهر بت پرست تبدیل شده و به مجازات سبک تری محکوم میشوند. (کشته شدن با شمشیر). چگونه است که این عمل اضافی یک فرد گناهکار این تاثیر را دارد که مجازات شهری را سبک تر کند. مجازاتی که قبلاً بطور سخت تری برای مردم شهر در نظر گرفته شده است؟

۱۰- اونقلوس ۲۱-۱۸ ۱۱- تلمود یروشلمی موعد کاتان ۵-۳ (توسفت موعد کاتان ۲۰ الف)

۱۲- سنهدرین ۸۱ ب رمبام هیلخوت سنهدرین ۱۴، ۱۴-۱۳ سنهدرین ۱۱۱ ب رمبام هیلخوت اوودازارا ۴ ۱۰۲

ببیند و درک کند که آیا این تشبوهی واقعی است یا نه؟ چرا این اصل در مورد شهر بت پرست بکار برده نمی شود و به عقیده هارمبام تشبوهی آنها این قضاوت را تغییر میدهد؟ چگونه است که تشبوه فقط در این مورد خاص تاثیر می گذارد؟ علاوه بر این، عقیده هارمبام در این مورد خاص این است که مردم شهر سزاوار مجازات هستند ولی بعد از اینکه تشبوه کردند دیگر مجازات نمی شوند.

۲- مسئولیت جمعی و مسئولیت فردی

روگوتچوور راو^۷ این عقیده رمبام را به نحو دیگری توضیح میدهد. برطبق توضیح او رمبام بر این عقیده نیست که تشبوه باعث بخشش کلی میشود بلکه تشبوه باعث میشود که گناه جمعی به گناه فردی تبدیل بشود. قانون بالا در مورد شهر بت پرست شامل مجازات همگانی میشود حتی اعضای معصوم یک خانواده بت پرست و حتی اموال مرد صدیقی که در این شهر زندگی می کند را نیز در بر می گیرد.^۸ اما اگر مردم شهر تشبوه بکنند و بطرف خداوند برگشت کنند. آن مردم بصورت فردی مورد قضاوت قرار خواهند گرفت یعنی تمام افرادی که شخصاً بی گناه هستند مجازات نشده. ولی بت پرستان مجازات شده و تشبوه مجازات آنها را عوض نمی کند. اما هنوز هم این توضیح مشکل اساسی را حل نمی کند. تشبوه چیزی است که بعد از عمل اتفاق می افتد. پس بنابراین ما بین عمل بت پرستی و عمل تشبوه زمان و دوره ای وجود دارد که وضعیت جمعی مردم مطرح می باشد. چگونه عوض شدن احساس انسان یعنی تشبوه چیزی که هیچ قاضی انسانی نمی تواند آنرا تشخیص بدهد می تواند بر روی عمل خلاقی که قبلاً انجام شده تاثیر بگذارد و یا مجازات آنرا تخفیف بدهد؟

۳- نابودی شهر سدوم

در کدام قسمت تورا به این قانون که رمبام از آن سخن می گوید اشاره شده است؟ راو روگوتچوور می گوید که این قانون در موضوع نابودی مردم شهر سدوم آمده است. خداوند قبل از اینکه شهر را مجازات کند می گوید "من هم اکنون پائین میروم ببینم که آیا آنها برحسب فریادی که بسوی من می آید رفتار میکنند"^۹ این پاسوق به معنای آن نیست که بایستی خداوند همه جا حاضر شود و آنچه که شنیده است را ببیند، بلکه به این معناست که خداوند

۷- سافنت پعیع، وائرا صفحه ۷۴ ۸- رمبام همان منبع ۷، ۶-۹ برشیت ۲۱-۱۸